

لطفا... سیاهکلی، نماینده مجلس: خودروهایی چینی که در ایران عرضه می‌شود قیمت واقعی‌اش ۳۰۰ تا ۳۵۰ میلیون تومان است، با قیمت ۷۵۰ تا ۸۰۰ میلیون تومان وارد و در بازار ۳ میلیارد تومان می‌فروسیم. وی افزود: این از کدام قاعده حکمرانی تبعیت می‌کند، مردم از تفاوت قیمت خودرو در داخل ایران و خارج مطلع هستند، چرا ما اینجوری هستیم؟

بهارستان

سال هفدهم - شماره ۷۷۲ - چهارشنبه ۷ تیر ۱۴۰۲ - ۹ ذی الحجه ۱۴۴۴ - قیمت ۲۵۰۰ تومان

انکاس آینه

ارائه گزارش‌های غیرواقعی رئیس‌جمهور در گفتگوی تلویزیونی

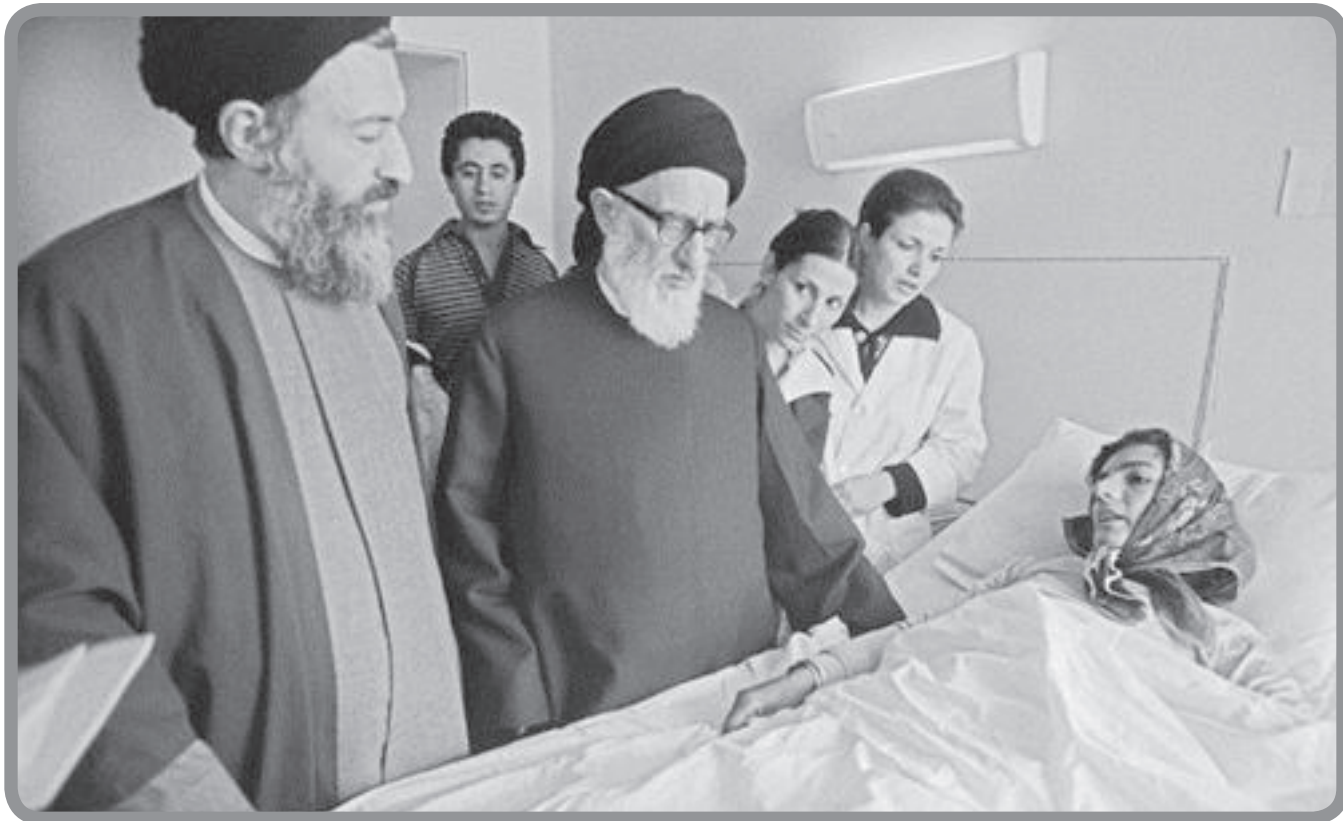
در این ستون بارها در مورد وعده‌های بر زمین مانده و شعارهای تحقق نیافته و ادعاهای غیرمنطقی رئیس دولت سیزدهم مطالبی درج گردید. عده‌ای درباره یکدست شدن قوای مقننه و مجریه داد سخن می‌دادند اما در نهایت سودی عاید مردم نگردید، پیشنهادهای معرفی چهار نفر به سمت وزیر آموزش و پرورش از سوی دولت که در نهایت دو نفر از آنان نتوانستند رای اعتماد مجلس را کسب کنند و کار یکی نیز به برکناری یا استعفا کشید و همه نشان از عدم اطلاع سیدابراهیم رئیسی بر امور فرهنگی و آموزشی کشور داشت، انتخاب وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی که علاوه بر ادعاهای پوچ و واهی از ایجاد هر شغل با یک میلیون تومان می‌گفت و مجبور به استعفا گردید، استعفاها و استیضاح‌های پی‌درپی وزیران، ناهماهنگی مدیران اقتصادی دولت، حذف بی‌موقع ارز ترجیحی بدون کارشناسی، ادعای ساخت یک میلیون مسکن در سال و چهار میلیون در چهار سال، دستورات پی‌درپی رئیسی که معمولاً به نتیجه نمی‌رسید، وجود مافیای خودرو، فسادهای خردکننده اداری، سوءاستفاده از دریافت وام‌ها و حقوق‌های کلان و نجومی، وجود اختلافات و تبعیضات کشنده طبقاتی، گرانی دارو و کمبود بعضی از انواع داروها از جمله سرم و داروی سرماخوردگی کودکان، عدم موفقیت عملکرد گروهی که از آغاز کار دولت برای احیای برجام و رفع تحریم‌های ظالمانه از بیت‌المال هزینه نموده‌اند و در نهایت مشاهده وضع مردم که گرانی امان آنها را بریده و تورم کمرشکن زندگی را بر آنها سخت و دشوار نموده و بر عموم مردم ثابت شده است دولت توان کنترل نه تنها بهای گوشت و نان و روغن و تخم‌مرغ و میوه و لبنیات و مصالح ساختمانی و غیره بلکه در بیشتر مناطق و استان‌ها یاری نظارت صحیح بر امر قیمت‌گذاری و توزیع کالاها و مایحتاج زندگی را ندارد و از همه مهمتر در اعتراضات پاییز سال گذشته که مدیران و مسئولانی از هر سه قوه اقرار و اعتراف کردند باید اعتراضات بحق مردم را شنید اما دیدیم که به طور کلی این امر فراموش گردید و عده‌ای هم با سخنرانی‌ها و اظهارات غیرعلمی و غیر کارشناسانه به این امر دامن زدند و کرامت انسان‌ها را حفظ نکردند و آتش را زیر خاکستر نگه داشتند و دیدیم که اخیراً نامه معاون وزیر کشور اعتراض نمایندگان مجلس شورای اسلامی را در پی داشت.

مدیرمسئول آیینیه یزد بنابه وظیفه روزنامه‌نگاری در مورد عملکرد ضعیف عده‌ای از دولتمردان و کارگزاران و استانداران مقالات متعددی تنظیم و به اطلاع خوانندگان رساند و از جمله در تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۴ مطلبی با عنوان «شعارها توخالی بود و وعده‌ها معطل ماند، دولت برای رفاه ملت استعفا دهد» در این ستون درج گردید. مناسب می‌داند در آغاز نظر خوانندگان را به فرازهایی از سخنان سیدابراهیم رئیسی که در گفت‌وگوی تلویزیونی با حضور دو نفر از کارکنان صدا و سیما ابراز گردیده جلب نماید. «مسئولان آن زمان می‌گفتند: شرایط حتی از زمان جنگ بدتر است و کسری بودجه و وضعیت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خاصی داریم که محصول دشمنی دشمنان بود اما عملکرد دولت هم در این زمینه نقش داشت... من احساس وظیفه می‌کردم که باید در انتخابات حضور داشته باشم تا مشارکت هم افزایش پیدا کند... پیگیری کردم که صلاحیت بقیه مورد بررسی مجدد قرار بگیرد، البته خودشان می‌گفتند که اگر ما بیاییم تفاوتی ایجاد نمی‌کند و نتیجه انتخابات براساس نظرسنجی‌ها مشخص بود... تورم ۵۹ درصدی به حدود ۴۰ درصد رسید... زمانی مسئولان کشور می‌گفتند نمی‌شود بیشتر از ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه نفت فروخت اما در اولین بررسی دیدیم که می‌توان تا بیش از یک میلیون بشکه هم فروخت و پول آن را هم گرفت.»

اکنون توضیحاتی درباره گزارش‌های خلاف واقع و در نهایت کتمان حقایق که در سخنان سیدابراهیم رئیسی ابراز گردید.

ادامه در صفحه ۲

اعمال حجاب اجباری با اندیشه‌های شهید بهشتی سازگار نیست



شهید آیت‌ا... بهشتی: بالا بروید یا پایین بیایید، اصلاً قرآن را بر سر جامعه‌ای پهن کنید، مادام که در آن جامعه در یک سو گر سنه بیچاره از سرما لرزان وجود دارد، و از سوی دیگر منتعمان بر خوردار از همه چیز، این جامعه لجن است.

دکتر علیرضا بهشتی گفته جملات منتسب به آیت‌ا... شهید درباره حجاب که در سطح شهر نصب شده همه از او نیست و اگر هم باشند ناظر به حجاب اجباری نیست. عصرایران؛ مهرداد خدیر- واکنش دکتر سیدعلیرضا بهشتی فرزند آیت‌ا... بهشتی به بیلبوردهای تبلیغاتی در تهران با موضوع حجاب زنان به نقل از ایشان به موقع و همان است که انتظار داشتیم. او که از جنس اصول‌گرایان رادیکال نیست و مثل برادر (دکتر سیدمحمدرضا بهشتی) نسبتی با اندیشه‌های غیردموکراتیک ندارد (در همایش مؤسسه دین و اقتصاد) گفته «برخی از نوشته‌ها بدون استناد منتسب شده ولی برخی هم از اوست اما آنها هم به کارکرد حجاب برای یک زن اشاره دارد و استدلالی برای حجاب اجباری در سخنان شهید بهشتی مشاهده نمی‌شود». از نگاه فرزند شهید بهشتی «اعمال حجاب اجباری با اندیشه‌های شهید بهشتی سازگار نیست و نص صریحی نیز ایشان در این باره نداریم». تا اینجا صحبت دکتر علیرضا بهشتی فرزند آیت‌ا... بهشتی بود و زین پس ۱۰ نکته درباره آن:

۱. به لحاظ تاریخی هم این مدعا درست است. چون شهادت آیت‌ا... بهشتی هفتم تیر ۱۳۶۰ اتفاق افتاد حال آن که اعمال حجاب اجباری مربوط به ماه‌های بعد است و دو خط تبصره در قانون مجازات اسلامی هم در دو سال بعد از شهادت و در غیاب او وضع شد. آن دو خط تبصره و نه ماده قانونی البته ناگهان به تازگی بسیار توسعه یافته و بسیار فربه و به یک لایحه مفصل بدل شده است. ۲. به، از سال ۵۹ برای کارمندان ادارات و مدارس یونیفورم‌هایی تعریف شد. امام خمینی هم درباره ضرورت مراعات در سواحل دریا سخن گفتند اما بحثی از حجاب اجباری نبود. به عبارت دیگر ناظر به ساخت رسمی و اداری بود و نه عمومی و اگر هم عمومی سواحل نه خیابان‌ها. (از حیث تاریخی و زمانی و نه

بحث فقهی) ۳. گوینده تلویزیون بعد از پیروزی انقلاب -نوروز ۱۳۵۸- که مردم را به شنیدن پیام امام خمینی، آیت‌ا... شریعتمداری و مهندس بازرگان نخست‌وزیر دعوت می‌کند روسری ندارد. البته پوشیده و بی‌آرایش اضافی است. (گمان می‌کنم خانم کشمیری بود). ۴. هر سال در هفته اول تیر به مناسبت سالروز هفتم تیر یا علی‌ه مجاهدین خلق تبلیغ می‌شد یا درباره قوه قضاییه. این که اسمال از بین شهیدان هفتم تیر تنها سراغ بهشتی رفته‌اند و برخلاف سال‌های قبل، موضوع حجاب آیا جز این است که به خاطر فضای پسمامه‌ساست یا در اقتناع عمومی کم آورده‌اند و ناچار به سخنانی در پیش از انقلاب یا دو سال اول متوسل شده‌اند و هر دو هم پیش از ۴۰ سال پیش؟ درحالی که نصف بیشتر مردم ایران متولد سال‌های بعدند. ۵. البته همین که مردم دریابند ادبیات بهشتی با لحن غالب و در واقع قالب امامان جمعه امروز و روحانیونی که مدام زنان و دخترکان بی‌روسری را تهدید می‌کنند هیچ نسبتی ندارد کاملاً مثبت است و سازمان زیباسازی از این حیث ذوق به خرج داده اما چون در این فضا صورت گرفته انگار به قصد توجیه داغ و درفش و جریمه است و از این زاویه توی ذوق می‌زند. شاید اگر عمدی نبوده شبیه کاری باشد که به واقع یا به لطفیه به کارمند نخست‌وزیری در دوران مهندس موسوی نسبت می‌دهند که قرار بوده بالای بخشنامه‌های نخست‌وزیر جمله‌ای از امام خمینی را بنویسد و بعد ابلاغ و منتشر کند و یکبار آورده بود: من توی دهن این دولت می‌زنم! بله، جمله از امام بود ولی درباره دولت شاپور بختیار نه دولت جمهوری اسلامی و مورد حمایت خود رهبر فقید انقلاب. ۶. احتمالاً واکنش فرزند شهید بهشتی را پیش‌بینی نمی‌کردند که به جای آثار شهید مطهری سراغ او رفتند.

ادامه در صفحه ۲

مردم نباید در سیاست نادیده گرفته شوند

است. تحولات روسیه و آینده آن می‌نمایاند که: حاکمیت نظامیان و سلفه شبه نظامیان بر امور کشور، به چه میزان تهدیدکننده است؛ و چرا در غرب، سیاست‌پو در روند امور و جنگ و صلح تصمیم‌گیر نهایی هستند. زمانی که مردم

سیاسی داخلی می‌آورد» سخنی نادرست است. شبه کودتای شبه نظامیان واکتر، و باتلاق اوکراین نشان دادند که این نکته که: «سلاح هسته‌ای قدرت شکست‌ناپذیری و بازدارندگی خلق می‌کند» ناروا و نارساست

حمید ابوطالبی، مشاور سیاسی حسن روحانی در دولت سابق در یک رشته توییت در واکنش به تحولات روسیه نوشت: شبهه کودتای شبه نظامیان واکتر نشان داد این سخن که: «سلاح هسته‌ای، امنیت و استحکام

کرد. برای غرب هم اگر پشت این ماجرا بود، این تحقیر روسیه مهم بود. ۲- کار ملک با مزدور و تندرو به انجام نمی‌رسد. قبلاً در افغانستان آمریکایی‌ها تندروهای مسلمان دنیا را تجهیز کردند که با کفر کمونیست بجنگند. جنگیدن ولی سر از برج‌های دولولو درآوردند. اکنون دست نشاندگان

۱- برای دومین بار ابهت روسیه شکست. یکبار پس از ورود به اوکراین که افکار عمومی فکر می‌کرد در کمترین فرصت روسیه پیروز میدان می‌شود و جنگ، فرسایشی و طولانی نمی‌شود. یکبار بعد از اینکه واکنش به عنوان مزدورهای خود حکومت، این حرکات را انجام دادند. قدرت مدعی بزرگ جهان به مثابه یک کشور عادی جلوه

ابطحی: برای دومین بار ابهت روسیه شکست. یکبار پس از ورود به اوکراین که افکار عمومی فکر می‌کرد در کمترین فرصت روسیه پیروز میدان می‌شود و جنگ، فرسایشی و طولانی نمی‌شود. محمدعلی ابطحی فعال سیاسی اصلاح‌طلب نوشت: حوادث روسیه و واکنش‌ها سه حاشیه قابل توجه داشت:

روسیه آن قدر بزرگ نیست که محل اتکا باشد

تندخوی روس‌ها علیه خودشان قیام کردند. واکنش‌ها در همه دنیا از منافع روسیه حمایت می‌کردند. حالا در خود روسیه شورش مسلحانه کردند. این قاعده و اتفاقات تاریخی باید مورد توجه پشتیبانان تندروهای ایران هم باشد.

۳- روسیه آن قدر بزرگ نیست که محل اتکا باشد.

شهیدان عالی مقام

دکتر سیدرضا و دکتر سیدمحمد پاک‌نژاد شهید دکتر سیدرضا پاک‌نژاد اولین نماینده یزد در مجلس شورای اسلامی پزشکی دلسوز، معلمی دانا، انسانی ساده‌زیست و متواضع و نویسنده‌ای توانا بر خوردار از سجایای اخلاقی برجسته و دارای صفات نیکو و به جا ماندنی بود آن بزرگ‌مرد معمولاً به رایگان به طبابت می‌پرداخت و بسیاری از مردم یزد می‌دانستند و چه داری بیماران مستمند را نیز شخصاً پرداخت می‌کند.

گزیده مطالب این شماره:

تسهیلاتی که به کار طبقات متوسط هم نمی‌آید، چه رسد به کارگران!

رئیس قوه قضاییه به نقد دعوت می‌کند اما زیر مجموعه ایشان پرونده‌سازی می‌کنند!

دولت احمدی‌نژاد یوپولیسیم پولدار بود و دولت رئیسی یوپولیسیم بی‌پول

معلمان باز نشسته استان یزد: دولت طرح همسان‌سازی را اجرا کند

چرا یوسف کتک خورد؟ «زبان دراز»

شهیدان عالی مقام دکتر سیدرضا

و دکتر سیدمحمد پاک‌نژاد

شهید دکتر سیدرضا پاک‌نژاد اولین نماینده یزد در مجلس شورای اسلامی پزشکی دلسوز، معلمی دانا، انسانی ساده‌زیست و متواضع و نویسنده‌ای توانا برخوردار از سجایای اخلاقی برجسته و دارای صفات نیکو و به جا ماندنی بود آن بزرگ‌مرد معمولاً به رایگان به طبابت می‌پرداخت و بسیاری از مردم یزد می‌دانستند و چه داری بیماران مستمند را نیز شخصاً پرداخت می‌کند. از مشاوران صمیمی و مورد اعتماد و از یاران نزدیک و همراه و همگام شهید محراب آیت‌ا... شیخ محمد صدوقی و کمک کار و یاور انقلابیون بود در کنار طبابت و انجام امور اداری و پزشکی هفته‌ای چند جلسه برای داوطلبان و علاقه‌مندان به ویژه جوانان درس علمی تدریس می‌کرد و تفسیر قرآن می‌گفت. مدیر مسئول هفته‌نامه آیینیه یزد سالروز شهادت شهید آیت‌ا... سیدمحمد بهشتی و ۷۲ تن از یاران گرامی آن بزرگوار از جمله این بزرگمرد شهید دکتر سیدرضا پاک‌نژاد که مسلمانان صادق و پزشکی حاذق بود با دیگر برادر شهیدش دکتر سیدمحمد پاک‌نژاد و تمام یاران و همراهان که در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ به درجه رفیع شهادت رسیدند را گرامی می‌دارد و در برابر همه شهیدان و رزمندگان و ایثارگران و جانبازان که مخلصانه برای اسلام و سربلندی میهن و استقلال کشور جانشانی نمودند تعظیم و تکریم می‌کند.

در خود روسیه، منطقه و جهان گذاشته، و حتی کشورهای روس محور هم به بازیابی سیاست‌های کلان‌شان خواهند پرداخت. شاید آنچه که یکبار به فروپاشی دیوار برلین انجامید دوباره در حال وقوع باشد.

۳- روسیه آن قدر بزرگ نیست که محل اتکا باشد.

انعکاس آیین

ارائه گزارش‌های غیرواقعی رئیس‌جمهور در گفتگوی تلویزیونی

الف – سیدابراهیم رئیسی که شرایط دوران دولت دوازدهم را همانند زمان جنگ ترسیم می‌کند آیا نمی‌داند از برنامه هفت‌هزار صفحه‌ای برای بهبود شرایط اقتصادی گفته و قول داده است اقتصاددانان را به خط می‌کند تا اوضاع را سامان دهند، تک‌رقمی کردن تورم را امکان‌پذیر دانسته و مدعی شده که ۷۰درصد ظرفیت‌های اقتصادی کشور غیرفعال است و با فعال شدن این ظرفیت‌ها می‌توان سالی یک میلیون شغل ایجاد کرد علیرضا زاکانی ادعا کرد اگر رئیس‌جمهور شود امریکایی‌ها التماس می‌کنند و مجبور می‌شوند که تمام تحریم‌ها را بردارند، با صراحت عنوان نمود ۱۵ تا ۲۰ درصد وضعیت اقتصادی کشور در نتیجه تحریم‌ها است و بقیه را از بی‌عرضگی و… دولت‌مردان و مسئولان می‌دانست. سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی دیگر همراه و همفکر سیدابراهیم رئیسی دستور تشکیل صندوق رفاه جوانان را می‌داد که هر زوج جوان بتوانند ۵۰۰ میلیون تومان برای اشتغال و ازدواج و مسکن خود از آن صندوق دریافت کنند. محسن رضایی حدود ۶۰ وعده اقتصادی از جمله پرداخت ماهانه ۴۵۰ هزار تومان به چهل میلیون ایرانی، تامین ۹۰درصد هزینه خرید مسکن از سوی بانک‌ها، صاحبخانه شدن مردم با ده درصد آورده، کاهش فاصله طبقاتی و قطع دست امضاهای طلابی در اقتصاد را داد و ادعا کرد بعد از دلار و یورو، ریال پول ایران را برترین پول منطقه می‌کند!! اکنون که بعد از دو سال قیمت سسکه ۱۱ میلیون تومانی در خردادماه ۱۴۰۰ به حدود ۲۵ تا ۲۸ میلیون تومان و دلار ۲۳ هزار تومان به حدود ۵۰ هزار تومان رسیده، بهای گوشت و لبنیات و برنج و روغن و گوشت مرغ و تخم‌مرغ تا حدود چهارصد درصد گران تر شده است. گزارش سیدابراهیم رئیسی بعد از دو سال در ۳۰ خردادماه سال جاری با آن همه ادعاهای خود و همفکرانش چه معنی و مفهومی دارد و آیا نباید همانند بعضی از فعالان سیاسی اصولگرا چون محمد مهاجری، دولت سیدابراهیم رئیسی را دولت مردودی خردادماه نامید که با مصاحبه‌های خیرهش خودزنی سیاسی کرده است!!!؟ آیا تاکنون رئیس‌جمهور با هیچ رسانه و روزنامه‌نگار مستقلی حاضر به مصاحبه شده است تا ددغغه‌های مردم را بشنود، صدای خرد شدن استخوان‌های میلیون‌ها نفر از هموطنان زیر بار گرانی را حس کند تا بداند با بیست درصد اضافه کردن حقوق کارمندان شاغل و بازنشسته آن هم با تورم بالای ۶۰، ۷۰درصد چگونه می‌توانند زندگی کنند؟ پاسخ رئیس‌جمهور در مورد ایران که در شفافیت بین‌کشورهای جهان رتبه ۱۴۷ و فاسدترین کشور که سومی‌الی است و رتبه ۱۸۰ دارد چیست؟ و در رده‌بندی ۱۶۳ کشور جهان از نظر صلح و امنیت که ایران در مرتبه ۱۴۱ قرار گرفته چه می‌گوید؟ و با آن هنگام که رئیس‌جمهور به ۲نفر مصاحبه‌کننده می‌گوید تورم را به ۴۰درصد رساندیم آیا آنها توان و جرات این را داشتند که بگویند آمارها حکایت از این دارد که در حال حاضر ایران بعد از ونزوئلا، لبنان، زیمبابوه و آرژانتین بالاترین تورم را در جهان دارد؟ و آیا می‌توانستند در این باره از سیدابراهیم رئیسی درخواست نمایند به عنوان نمونه برای بینندگان و شنوندگان توضیح دهد هنگام تحویل گرفتن دولت در مرداد و یا انتخاب شدن در خردادماه ۱۴۰۱ سفره‌های مردم تاکنون به چه میزان کوچک و کوچکتر شده و سرانه گوشت و میوه و لبنیات و… کاهش داشته است و به هر حال فروش نفت ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار بشکه به یک میلیون بشکه چه دست‌آوردی برای ده‌ها میلیون ایرانی فقیر و زیر خط فقر داشته است؟ و آیا در این دو سال اختلافات و تبعیضات طبقاتی و آمار جنایت و قتل و غارت و سرقت و کتلهای خانوادگی و زندانی و بیکاران و احتکارکنندگان و گران‌فروشان کاهش داشته است؟

ب – رئیس‌جمهور در گفت‌وگوی تلویزیونی گفت: «من احساس وظیفه می‌کردم که باید در انتخابات حضور داشته باشم تا مشارکت هم افزایش پیدا کند… پی‌گیری کردم که صلاحیت بقیه مورد بررسی مجدد قرار بگیرد البته خودشان می‌گفتند که اگر ما بیاییم تفاوتی ایجاد نمی‌کند و نتیجه انتخابات براساس نظرسنجی‌ها مشخص بود…»

آنچه که قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سبزه‌دم اتفاق افتاد این‌که برای اولین‌بار در تاریخ جمهوری اسلامی ایران حدود ۲۲۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از سیدابراهیم

رئیسی دعوت کردند تا به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری ثبت‌نام کند و بعد از اعلام اسامی تایید صلاحیت‌شدگان ۲۰۰ نفر از نمایندگان از کاندیداهای اصولگرای تایید صلاحیت شده درخواست نمودند به نفع سیدابراهیم رئیسی از کاندیداتوری استعفا دهند گرچه بعد از آن بعضی از نمایندگان اظهار پشیمانی نمودند! ضمناً در تاریخ انتخابات و از طریق خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها یا فضای مجازی مطلبی درج نگردیده که سیدابراهیم رئیسی درباره رد صلاحیت‌شدگان درخواست نموده باشند صلاحیت آنها را تایید نمایند و در مورد ثبت‌نام‌شدگان کاندیداهای ریاست جمهوری و اتفاقاتی از قبیل آنچه که اشاره گردید همه نشانگر این است که همگان دست به دست هم داده بودند تا در انتخابات ریاست جمهوری دولت سبزه‌دم سیدابراهیم رئیسی به عنوان منتخب مردم حائز اکثریت آرا گردد و چنین هم شد اما در مورد افزایش مشارکت در نهایت با همه تبلیغاتی که تمام شبکه‌های صدا و سیما و اصولگرایان و نهادها و سازمان‌های موافق به عمل آوردند در صد شرکت‌کنندگان و رای‌دهندگان به رئیس‌جمهور منتخب به ترتیب حدود ۴۸ و ۳۵ درصد یعنی از تمام دوازده دوره گذشته کمتر بود و حدود ۱۳درصد شرکت‌کنندگان نیز رای باطله در صندوق‌ها ریختند که این نیز رکوردشکن بود.

نکته آخر این‌که مشاور علی‌لاریجانی در مورد ادعای رئیس‌جمهور مبنی بر تلاش سیدابراهیم رئیسی برای اصلاحات مبنی بر صلاحیت وی گفته است «خبر ما خلاف این ادعا را نشان می‌دهد» بنابراین می‌طلبند نهاد ریاست جمهوری و روابط عمومی استانداری‌ها در صورتی که مدرک و مستندی مبنی بر تلاش سیدابراهیم رئیسی برای تایید صلاحیت افرادی چون محمود احمدی‌نژاد، مسعود پزشکیان، اسحاق جهانگیری، علی لاریجانی، علی مطهری و دیگر رد صلاحیت‌شدگانی که احیاناً حشاشان ضعیف گردیده است انجام داده‌اند و در درباره صحت ادعاهای دیگر وی می‌توانند ارائه کنند مراتب را ثبت و ضبط نموده و به اطلاع مردم برسانند در غیر این‌صورت در تاریخ سیاسی و اجتماعی این دوران ثبت و ضبط می‌گردد که سیدابراهیم رئیسی ۳۰ خردادماه سال ۱۴۰۲ در گفت‌وگوی تلویزیونی موارد متعددی را برخلاف واقع به سمع و نظر ملت شریف ایران رسانده است، وائلسلام.

مدیرمسؤل

کدام کارگر حداقل‌بگیر توان پرداخت

ماهانه بیست میلیون تومان را دارد، در شرایطی که دستمزدش به سختی به ده

میلیون تومان می‌رسد و هزینه‌ی تأمین اساسی‌ترین نیازهای خانواده‌اش سی میلیون تومان است؟

به گزارش ایلنا، این روزها خبرهای مختلف در مورد مسکن زیاد به گوش مان می‌رسد. سه‌شنبه، ۳۰ خرداد، رئیس کل بانک مرکزی، از دو برابر شدن سقف تسهیلات خرید و ساخت مسکن خبر داد. طبق گزارش او، وام مسکن در تهران برای زوجین به ۸۰۰ میلیون تومان و برای هر فرد به ۴۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است. این وام در شهرهای دیگر نیز بسته به تعداد جمعیت شهرها، ۳۲۰ و ۶۴۰ میلیون تومان شده است. فردای همان روز، چهارشنبه، سی و یکم خرداد ماه، نیر وزیر کار از تصمیم دولت برای ساخت ۴۰۰ هزار واحد مسکونی وعده‌ای که وزیر کار از آن صحبت کرد

البته سال گذشته، از سوی زاهدی‌وفا (سرپرست وقت وزارت کار) و مهدی مسکنی (معاون تعاون وزارت کار) مطرح شده بود با این تفاوت که رقمی که آن زمان عنوان شد، ۵۰۰ هزار خانه برای کارگران بود. دولت همچنین از همان ابتدای به دست گرفتن کار، وعده داده بود که در قالب طرح ملی مسکن طی چهار سال، ۴ هزار واحد مسکونی بسازد که این ۴۰۰ هزار واحد مسکونی وعده داده شده برای کارگران نیز در قالب همین طرح مطرح شده است.

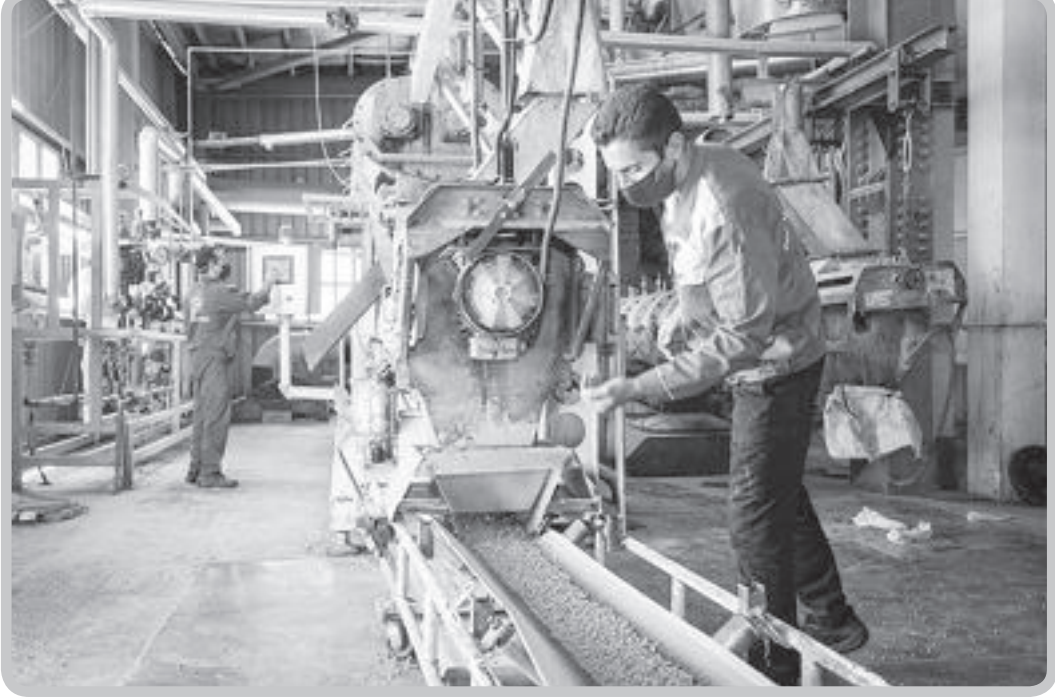
تسهیلاتی که به کارگران نمی‌آید

طبق ماده ۳۱ قانون اساسی «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند به‌خصوص روستائینشان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند». مسئله این است که این طرح‌ها و تسهیلات به کار اقسار ضعیف جامعه نمی‌آید. وامی که رئیس کل بانک مرکزی از افزایش آن صحبت کرده، با احتساب مبلغ ۱۶۰ میلیون تومانی تعمیر، برای زوج‌های تهرانی، ۹۶۰ میلیون تومان می‌شود که بازپرداخت این وام ماهانه حدود بیست میلیون تومان است. ضمن اینکه نرخ سود این وام، ۲۲ درصد است و کل بازپرداخت آن دو میلیارد و ۷۸۰ میلیون تومان و سود

پرستاران از اضافه‌کار اجباری و مزایای مزدی پایین آن انتقاد دارند. به گزارش ایلنا، «اضافه‌کار اجباری» یکی از مشکلات جامعه‌ی پرستاری کشور است؛ پرستاری که شیفت کاری خود را کامل کرده به خاطر کمبود نیرو مجبور است یک شیفت اضافی دیگر نیز سر کار بماند. یکی از پرستاران در این رابطه با بیان اینکه «به علت کمبود نیرو از پرستاران اضافه‌کار اجباری می‌خواهند» می‌گوید: طبق قانون بهیوری، یک پرستار در ماه فقط حدود ۱۵۰ ساعت موظفی دارد و اضافه‌کار نباید اجباری باشد یعنی اگر پرستاری اضافه‌کار نخواست باشد با پرکردن ساعات موظفی

سینه

تسهیلاتی که به کار طبقات متوسط هم نمی‌آید، چه رسد به کارگران!



آن یک میلیارد و هشتصد میلیون تومان است. کافیتست

وام ۹۶۰ میلیون تومانی به زوج‌های تهرانی را در کنار خط فقر سی میلیون تومانی در تهران و حداقل حقوق نهایتاً ده میلیون تومانی قرار دهیم تا به غیر قابل دسترس بودن چنین تسهیلاتی پی ببریم. اگر آنطورکه ماده ۳۱ قانون اساسی مقرر کرده، دولت موظف به تأمین مسکن برای ضعیفترین اقشار جامعه است، این سوال مطرح می‌شود که کدام کارگر حداقل‌بگیر توان پرداخت ماهانه بیست میلیون تومان را دارد، در شرایطی که دستمزدش به سختی به ده میلیون تومان می‌رسد و هزینه‌ی تأمین اساسی‌ترین نیازهای خانواده‌اش سی میلیون تومان است؟ حتی اگر زن و مرد، هر دو حقوق‌بگیر باشند، حتی اگر هر دو، بالاتر از حداقل دستمزد هم بگیرند، به سختی می‌توانند از پس پرداخت وام بیست میلیون تومانی بر بیایند.

طرح ملی مسکن و اقساط ۷ میلیون تومانی وام آن

در مورد طرح ملی مسکن نیز مشکلاتی از این دست مطرح است. کارگران حداقل‌بگیر معمولاً توان شرکت در این طرح‌ها را ندارند. عبدالعظیم همایونی (فعال کارگری) در این رابطه می‌گوید: آنطورکه کارگران می‌گویند، برای شرکت در طرح ملی مسکن، بالای ۱۰۰ میلیون تومان پول زیر ساخت و برق و آب و گاز و غیره از متقاضیان گرفته می‌شود، ۵۰ میلیون تومان

شهرداری و ۵۰ میلیون هم بیمه و مالیات می‌گیرد و ۸۰ میلیون تومان هم پول زمین می‌شود؛ یعنی بخش قابل توجهی از مبلغی که بابت این طرح می‌گیرند به جیب دولت می‌رود که اگر دولت می‌خواست واقعا به اقسشار ضعیف جامعه کمک کند باید این هزینه‌ها را کاهش می‌داد. این فعال کارگری ادامه می‌دهد: برای طرح ملی مسکن وام ۱۸درصد می‌دهند و برای سال اول، ماهی بیش از ۷ میلیون تومان باید بابت اقساط آن را پرداخت کرد. با این اوصاف عملاً یک کارگر توان شرکت در این طرح‌های به اصطلاح حمایتی را ندارد. اگر قرار باشد یک کارگر حداقل‌بگیری که حقوقش به سختی به ده میلیون تومان می‌رسد، تمام حقوق ماهیانه‌اش را قسط بدهد، چگونه می‌تواند پول اجاره خانه و خورد و خوراک را بپردازد؟! این‌ها اساسی‌ترین هزینه‌هایی است که یک کارگر در طول ماه باید پرداخت کند؛ پس اگر واقع‌بینانه نگاه کنیم، این طرح‌ها معمولاً برای کارگران نیست.

برنامه‌های دولت به کار طبقه متوسط هم نمی‌آید، چه رسد به کارگران!

مرتضی افقه (استاد اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز) در مورد تسهیلات و برنامه‌های مربوط به مسکن می‌گوید: در اینکه این برنامه‌ها و تسهیلات،

یک ساعت کار اضافی پرستاران فقط برای ۱۶ تا ۲۰ هزار تومان!

ساعت، ۱۵۰ یا حتی ۱۷۰ ساعت اضافه‌کار داشته باشد. «نه تنها اضافه‌کاری بسیار دشوار است و فرقی با کار عادی پرستار ندارد بلکه تعرفه‌های آن نیز بسیار پایین است» این پرستار با بیان این جمله اضافه می‌کند: برای هر ساعت اضافه‌کار ۱۶ تا ۲۰ هزار تومان می‌پردازند که مبلغ بسیار پایینی ست. او ادامه می‌دهد: وقتی حقوق یک پرستار بین ده تا دوازده میلیون تومان است برای اضافه‌کار اجباری که یک ماه شش‌میزی اجرائی کار است، یک تا دو میلیون تومان به پرستار می‌پردازند. این اجحاف بزرگی است در حق پرستاران. این نیروی انسانی کادر درمان کشور می‌گوید: برای پرستارانی

ایرانیان ۹۰ کیلوگرم کمتر از سرانه جهانی لبنیات مصرف می‌کنند

که در هر دو طرح قرار بود یارانه‌ها به شکل هدفمند به دهک‌های محروم برسد اما، عملاً یارانه‌ها نه تنها هدفمند نشد بلکه، بین عامه مردم از غنی و فقیر به یک میزان تقسیم شد و در عین حال یارانه‌های پنهان در کالا‌های مختلف هم ادامه یافت. وی اعلام کرد: در حال حاضر در خوشبینه‌ان‌ترین حالت میزان مصرف لبنیات در کشور ۷۰ کیلوگرم است. بنی‌طبا با تأکید بر اینکه میزان مصرف سرانه لبنیات در جهان حدود ۱۶۰ کیلوگرم است، اظهار کرد: فاصله ایران با مصرف جهانی لبنیات در حال افزایش است و با توجه به سال‌ها روند نزولی مصرف این مواد غذایی سلامت محور، اثر آن بر سلامت مردم نمود پیدا کرده است. وی همچنین از آمار نگران‌کننده دیگری در خصوص بازار صادراتی لبنیات خبر داد و گفت: بررسی گزارش‌های مرکز آمار تائید می‌کند، در سال‌هایی که مصرف لبنیات در کشور کاهش داشته رقم صادرات افزایشی بوده است. بنی‌طبا توضیح داد: در گذشته حدود ۱۰ درصد تولید صادر

حقوق کامل می‌گیرد اما در بسیاری از مراکز درمانی به پرستاران اضافه‌کار اجباری می‌دهند. او در مورد سختی کار پرستاران در ساعات اضافه می‌گوید: اضافه‌کار در پرستاری همان کار پرستاری است با همه سختی‌ها و مشقات؛ در واقع مثل کار اداری نیست که اضافه‌کار به معنای پشت میزنشینی در ساعات خلوت اداره باشد و سختی نداشته باشد. پرستار در شیفت اضافه دقیقاً همان کار اصلی را انجام می‌دهد و هیچ تفاوتی با کار اصلی ندارد، فقط در پایان ماه با کسر موظفی مشخص می‌شود چقدر اضافه‌کار دارد. به گفته وی، یک پرستار ممکن است در عرض یک ماه، ۱۰۰

در یک روند نزولی، با افزایش سالانه تورم و اجرای قانون هدفمندلی یارانه‌ها و مردمی‌سازی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ و ۱۴۰۱، کاهش مصرف لبنیات سرعت بیشتری گرفت. وی با یادآوری اینکه قانون هدفمند کردن یارانه‌ها اولین‌بار در زمستان ۱۳۸۷ به صورت لایحه از سوی دولت نهم ارائه شد، گفت: این لایحه قسمتی از طرح تحول اقتصادی بود که بعدها دولت دهم آن را مطرح کرد و در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۸۹، بر آغاز رسمی اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها خبر داد. به گفته وی؛ با اجرای این قانون، شش‌زده قلم کالا از جمله شیر مشمول حذف یارانه شدند و در پی آن طرح توزیع شیر مدارس و خانوار متوقف شد و با این اتفاق اولین شوک، به مصرف لبنیات کشور وارد شد.

بنی‌طبا شوک دوم وارده به مصرف لبنیات کشور را آنلاین گفت: براساس آمار رکورد مصرف لبنیات در کشور به دوران پایان دولت هشتم باز می‌گردد که، رقم ۹۰ تا ۹۵ کیلوگرم برای سرانه مصرف لبنیات به ازای هر فرد ایرانی ثبت شد. وی ادامه داد: پس از آن

اعمال حجاب اجباری با اندیشه‌های شهید بهشتی سازگار نیست

داده است.

۱۰. اگر بناسات از آیت‌ا... دکتر مسید محمد حسینی بهشتی به مناسبت سالروز ۷ تیر ۱۳۴۰ جملاتی را پیش چشم مردم بگذارید چرا فقط به حجاب گیر داده‌اید؟ مگر او بلانسبت دبیر ستاد امر به معروف بوده؟ ۵ روز مانده و هنوز وقت دارید. پس سبز اگر برای جبران و اثبات صداقت و نه ابزار تهدید و تحدید این جملات را از او بگذارید: «بالا بروید یا پایین بیایید، اصلاً

داده است.

۱۰. اگر بناسات از آیت‌ا... دکتر مسید

محمد حسینی بهشتی به مناسبت سالروز ۷ تیر ۱۳۴۰ جملاتی را پیش چشم مردم

بگذارید چرا فقط به حجاب گیر داده‌اید؟

مگر او بلانسبت دبیر ستاد امر به معروف

بوده؟ ۵ روز مانده و هنوز وقت دارید. پس

سبز اگر برای جبران و اثبات صداقت و نه

ابزار تهدید و تحدید این جملات را از او

بگذارید: «بالا بروید یا پایین بیایید، اصلاً

برای کارگران و اقشار ضعیف طراحی نشده، شکی نیست. در واقع با تورم ۴۰ درصدی و افزایش ناچیز حقوق‌ها، حتی طبقات متوسط هم دیگر توان خرید مسکن را ندارند، چه برسد به کارگران حداقل‌بگیری که حقوق آن‌ها به زور کفاف خورد و خوراک می‌شود. این کارگران حتی توان پرداخت اقساط دو سه میلیون تومانی را هم ندارند، چه برسد به اقساط ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومانی! این استاد دانشگاه تأکید کرد: تسهیلات و برنامه‌های دولت برای مسکن، اقداماتی شکلی است که نه به درد طبقات محروم و نه حتی همانطورکه گتمت به درد طبقات متوسط می‌خورد. ضمن اینکه قیمت مسکن طی ۵-۴ سال گذشته به شکل خیره‌کننده‌ای نسبت به کالاهای دیگر افزایش یافته است. حتی من استاد دانشگاه با درآمد حدود سی میلیون تومان هم نمی‌توانم به راحتی از پس پرداخت قسط بیست

میلیون تومانی بر بیایم. با ده میلیون تومان در شهرستان هم نمی‌توان زندگی کرد چه برسد به تهران! حالا وقتی یک استاد دانشگاه با این سطح از درآمد توان پرداخت اقساط این تسهیلات را ندارد، از کارگران چه انتظاری داریم. امروز حقوق کارگران صرفاً خرج زنده ماندن می‌شود. در کشورهای پیشرفته دولت چگونه مشکل مسکن اقشار ضعیف جامعه را حل می‌کند؟ اصلاً نمی‌توان ایران را با کشورهای دیگر مقایسه کرد اما مثلاً در انگلستان که من در آنجا تحصیل کردم، دولت حتی برای دانشجویانی که پول کمی دارند، مسکن تهیه می‌کند. دانشجویان اسم خود را در لیست می‌نویسند و خانه‌های ارزان می‌گیرند. این خانه‌ها را دولت از جنگ جهانی دوم به بعد ساخته و در اختیار اقشار ضعیف جامعه قرار می‌دهد. افقه تأکید کرد: البته باید تأکید کرد در این کشورها تولید روتق دارد اما در ایران به دنبال رشد تولید نیستیم. اگر تولید نداشته باشیم، درآمد نداریم و هیچ کدام از نیازها بدون درآمد تأمین شدنی نیست. این استاد دانشگاه گفت: دولت نمی‌تواند با این اقدامات مسائل را پیش برد. ضمن اینکه دولت‌ها در طول سال‌ها ناکارآمد شده‌اند و چون شایسته‌سالاری کنار گذاشته شده، نمی‌توانند وظایف اصلی خود را به درستی انجام بدهند چه برسد به کارهای این‌چنینی! مشکل بسیار ریشه‌ای‌تر از این حرفاست.

با سه سختی بسیار و کار طاقت‌فرسا، در هر شرایط آب و هوایی، به خدمتگزاری مشغولند، این مبلغ اضافه کاری بسیار ناعادلانه است؛ پرستاران در شرایط آلودگی سنگین هوا یا پرودت بسیار، مجبورند برای اضافه‌کار بایستند و هر شرایطی را تحمل کنند. او در پایان می‌گوید: در چنین شرایطی، باید فرمول محاسبه اضافه‌کار پرستاران تغییر کند؛ وقتی سیستم نتوانسته پرستار جدید جذب کند نباید تا دوازده میلیون تومان است برای اضافه‌کار اجباری که یک ماه شش‌میزی کار است، یک تا دو میلیون تومان به پرستار می‌پردازند. این اجحاف بزرگی است در حق پرستاران. این نیروی انسانی کادر درمان کشور می‌گوید: برای پرستارانی

می‌شد اما، این رقم اکنون به حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است. وی معتقد است: این آمار نشان می‌دهد، به همین میزان لبنیات از سفره مردم خارج و به صورت شیرخشک و کره به خارج از کشور رفته است. بنی‌طبا با ایزار نگرانی شدید از سال‌ها کاهش مصرف لبنیات در کشور، افزود: باتوجه به اهمیت مصرف لبنیات در سلامت مردم به ویژه کودکان و نوجوانان، برای کاهش آسیب توصیه می‌شود، دولت هرچه سریعتر به اصلاح سیاست‌های حمایتی در حوزه کالای اساسی به طور خاص لبنیات دست بزند. سخنگوی انجمن صنایع لبنی ایران همچنین پیشنهاد داد: توزیع شیر مدارس اجیاء شود و کالا برگ مخصوص خرید یارانه‌ای لبنیات در دسترس سه دهک کم‌درآمد جامعه قرار گیرد. بنی‌طبا در عین حال فرهنگ‌سازی و آگاه کردن مصرف‌کننده را ضروری دانست و افزود: فرهنگ‌سازی و آگاه کردن مصرف‌کننده می‌تواند به افزایش سرانه مصرف محصولات لبنی کمک کند.

چشم انسان نگاه می‌شود و ضرورت‌های زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک طرف شهر گل کاری دارد، اما طرف دیگریش چندین سال است که چاله چوله‌هایش به دره و ماهور تبدیل شده. این جامعه هر برجسی می‌خواهد داشته باشد، آیا مردم سالم دنیا در رده‌بندی این دو نوع جامعه و خوب و بد کردنش حالت زندگی آنها تأمین می‌شود... در جامعه‌ای نمی‌شود، احتیاجات آنها بی‌ارزش است، خیابان‌های یک

دولت احمدی نژاد پوپولیسم پولدار بود و دولت رئیس‌ی پوپولیسم بی‌پول



محمود احمدی‌نژاد

می‌شوند و حرث و نسل را می‌سوزانند. شاید کلمه «تعلیق» بتواند این وضعیت را توصیف کند. در این وضعیت باید منتظر ماند و دید داخل و خارج به چه تفاهمی می‌رسند. البته که من معتقدم این نگاه راجع به دموکراسی نخواهد بود ولی امیدوارم معطوف به رفع المم باشد. اگر وضعیت «تعلیق» به «انسداد» برسد آقای رییسی پوپولیست، شعارمحور و ناتوان است. این سه فاکتور ممکن است باعث شود ما دولت سیزدهم را با دولت آقای احمدی‌نژاد یکی بدانیم. حال آنکه دولت معجزه، پوپولیستِ پولدار بود، اما دولت فعلی، پوپولیستِ بی‌پول است. یعنی شانسی برای جلب نظر مردم ندارد. ناتوانی دولت سیزدهم فقط معطوف به کارگزارانش و چند انتصاب بی‌قواره نیست. مشکل در راس آن و رییس‌جمهور است. من پیشنهاد می‌کنم دولت استعفا دهد و برود. هرچه زودتر، بهتر! حضور این دولت و تفکر خسارت محض است. من نمی‌گویم آقای رییسی برود و یک اصلاح‌طلب شش‌دانگ جانشین او شود. می‌گویم داخل مجلس حل‌وعقدی که دارند، خودشان بنشینند و یک گزینه کارآمد پیدا کنند. یعنی اگر از انتخابات عبور کرده‌اند، دست‌کم کارآمدی داشته باشند. اصلاح‌طلبان انتخابات را تحریم نمی‌کنند، اما دیگر دست به کار عبث نمی‌زنند، چون الثفات پیدا کرده‌اند قانون کاغذ است و قدرت پشت قانون و مجری آن اهمیت فراوان دارد.

احمدی‌نژاد؛ از یک انقلابی دو آتشه تا اپوزیسیون

به گزارش خبر فوری، سوم تیر، سالروز یکی از مهم‌ترین انتخابات ریاست جمهوری تاریخ ایران است. در این روز دور دوم انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ برگزار شد و بعد از اعلام نتایج مشخص شد که محمود احمدی‌نژاد با کسب بیش از ۱۷ میلیون رای (حدود ۶۱ درصد) به عنوان رئیس‌جمهور ایران انتخاب شده است. از روز طلوع سیاسی احمدی‌نژاد تا غروبش، اتفاقات عجیب زیادی در ایران رخ داده و شخص احمدی‌نژاد هم فرزاد و فرود زیادی را تجربه کرده است. اما به راستی محمود احمدی‌نژاد چه کرد و از چه خصوصیاتی برخوردار بود و ایران در عصر او چه تجربه‌ای داشت؟ در این گزارش قصد داریم مروری کوتاه بر رفتارهای سیاسی احمدی‌نژاد به عنوان نماد نوعی خاص از سیاستمداری داشته باشیم.

کاپشن پوش سازش ناپذیر که چهره گم شده اصولگرایان شد

ایران در سال ۸۴ در کرانه دوره‌ای جدید از حیات خود بود. اصلاحات به پایان خود رسیده و مخالفان

اصلاح‌طلبی در حال قدرت گرفتن بودند. مجلس در دست اصول‌گرایان بود و مخالفان خاتمی نیز او را به بدقولی، ترس و عدم وفای به عهد متهم می‌کردند. در این حین، طوفه متوسط سرخورده از تحولات اجتماعی بود و بی‌علاقه، انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ را دنبال می‌کرد و طبقات پایین نیز مجذوب فردی با ویژگی‌های کاریزماتیک نشده بودند. شکست اصلاح‌طلبیان در انتخابات ۱۳۸۴ آنگذردهم آسان نبود. اصول‌گرایان اگرچه وارد فعالیت حزبی شده بودند اما چهره‌ها و شعارهای جذابی نداشتند و همین امر باعث نگرانی آنها شده بود. تقابل احمد توکلی و هاشمی رفسنجانی و ناطق‌نوری و خاتمی به اصولگرایان درس بزرگی داده بود؛ فقدان یک چهره کاریز ماتیک با شعارهای جدید، نو و جذاب علت اصلی شکست آنها بود. با این حال، همین انتخابات (به خصوص انتخابات ۱۳۷۲) به آنان نشان داد شماره‌های عدالت‌خواهانه چقدر می‌تواند برای آنها مفید باشد. احمد توکلی در آن سال با انتقادات تندی که به هاشمی رفسنجانی و اطرافیانش داشت توانست به یک پدیده تبدیل شود. شعارهای عدالت‌خواهانه او بسیار تاثیرگذار بودند اما فقدان کاریز ما باعث شد نهایتاً او حدود ۴ میلیون رای بیابود و از هاشمی رفسنجانی شکست بخورد. در سال ۱۳۸۲ و با انتخاب محمود احمدی‌نژاد به عنوان شهردار تهران، گمشده اصول‌گرایان پیدا شد. داخل دولت احمدی‌نژاد شد. گمشده اصول‌گرایان پیدا شد. احمدی‌نژاد یک اصول‌گرای انقلابی تند و کاریز ماتیک بود که با شعارهای عدالت‌خواهانه و کاریز‌مای خاصش می‌توانست آراه بسیاری را جذب کند. استاندار سابق اردبیل حالا یکی از مخالفان سرسخت خاندان هاشمی، کارگزاران و اصلاح‌طلبان شده بود و در ۲سال حضورش در شهرداری تهران نیز نشان داد که چهره‌ای جذاب برای توده مردم است. احمدی‌نژاد آنتی‌تز خاتمی و سایر چهره‌های مهم اصلاح‌طلبی بود. او به جای آزادی بر عدالت تاکید داشت، با خوی و منش اعتدالی خاتمی در مقابل غرب مخالف بود و بر حفظ ارزش‌های انقلابی تاکید می‌کرد، مخالف مناسبات سیاسی و مصلحت بود و حتی در پوشش نیز سعی می‌کرد فاصله خود را از سیاستمداران وقت ایران حفظ کند. این «تک» بون نهایتاً به محمود کمک کرد که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ به یک پدیده تبدیل شده و حتی در دور دوم هاشمی رفسنجانی، قدرتمندترین سیاستمدار وقت ایران را شکست دهد و رئیس‌جمهور ایران شود.

وقتی محمود با همه در می‌افتد

احمدی‌نژاد نماد یک سیاستمدار سازش ناپذیر بود. او به دلیل همین ویژگی‌اش مورد پسند اصولگرایان قرار گرفت. سازش‌ناپذیری او در مقابل سازش‌پذیری اصلاح‌طلبیان قرار می‌گرفت و این‌ برای انقلابی‌ها

صفحه آخر

محمود احمدی‌نژاد در مراسم افتتاحیه

اززشمند بود. با این حال، اشتباه بزرگ گروه‌های به اصطلاح انقلابی این بود که سازش‌ناپذیری احمدی‌نژاد را مساوی انقلابی‌گری دانستند. همین تفسیر ناروا باعث مشکلات عدیده برای آنها شد. احمدی‌نژاد در دور اول ریاست جمهوری خود به جبهه پایداری و طرفداران آیت‌ا… مصباح نزدیک بود اما سازش‌ناپذیری او باعث شد در مقابل این گروه بایستد و از سال ۱۳۸۸ به بعد عملاً راه خود را از آنان جدا کند. شاید اگر انتخابات حساس سال ۸۸ و حضور قدرتمند اصلاح‌طلبان و نامزدی میرحسین موسوی نبود، جبهه پایداری و اصولگرایان انقلابی زودتر از احمدی‌نژاد جدا می‌شدند اما حساسیت انتخابات باعث شد اختلاف احمدی‌نژاد و اصولگرایان مدتی به تعویق بیفتد. محمود بعد از سال ۸۸ عملاً راه خود را از اصولگرایان جدا کرد. نزدیکی او به اسفندیار رحیمی مشایی و

«مکتب ایرانی» انتقادات فراوانی را برانگیخت و کار به جایی رسید که حتی مرحوم مصباح مدعی جادو شدن احمدی‌نژاد شد. سازش‌ناپذیری احمدی‌نژاد فقط به مسائل حزبی محدود نمی‌شد. او تا سال ۱۳۹۲ تقریباً تمام پل‌های پشت سرش را خراب کرد. اختلاف او با علی لاریجانی که خود یکی از چهره‌های مهم اصولگرایی آن زمان بود، باعث شکل‌گیری ماجرای «یک شنبه سیاه» و درگیری روسای دو قوه شد. ماجرای مربوط به استعفای حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات وقت و مخالفت مقام معظم رهبری با این استغفاء منجر به خانه‌نشینی ۱۱ روزه احمدی‌نژاد گردید. همچنین، اختلافات دولت با شهرداری تهران و شخص محمدباقر قالیباف و نیز اختلافات با هاشمی رفسنجانی، منوچهر متکی، آملی‌لاریجانی، ناطق‌نوری و سایر سیاستمداران مهم وقت نشان داد که او تا چه اندازه سازش‌ناپذیر است و این سازش‌ناپذیری می‌تواند هم برای او و هم برای دولتش دردسرساز شود. این ویژگی احمدی‌نژاد در بعد خارجی بیش از بعد داخلی برای او دولت، و کشور مشکل‌آفرین شد. اختلافات ایران و غرب در زمان او زیاد شده و قطعنامه‌های پیاپی و تحریم‌های متوالی کشور را با مشکلات اقتصادی فراوانی روبه‌رو کرد. این مشکلات نهایتاً باعث گوشه‌گیری و انزوای خارجی و داخله دولت احمدی‌نژاد شد. در سال ۹۱ و ۹۲ تقریباً همه منتظر پایان دولت او بودند. اصولگرایان روی چهره بعدی تمرکز داشته و از داخلی‌نژاد برانگ جسته‌ند و اصلاح‌طلبان نیز که بعد از سال ۸۸ در شرایط سختی به سر می‌برند سعی داشتند به نوعی به عرصه سیاسی بازگردند. عمر دولت احمدی‌نژاد در سال ۹۲ به پایان رسید و او نیز وارد عرصه جدیدی از سیاست‌ورزی شد.

پایان دولت و ظهور یک احمدی‌نژاد جدید

شاید در سال ۸۴ کسی گمان نمی‌کرد احمدی‌نژاد چنین مسیر سیاسی را طی کند اما محمود بعد از سال ۹۲ چنان تغییر کرد که دیگر هیچ‌یک از یاران سابقش او را نمی‌شناخت. محمود بعد از سال ۹۲ با حواشی مختلفی روبه‌رو بود و بسیاری از این حواشی را هم خود به وجود آورد. او از سال ۹۲ آرام آرام به یکی از مخالفان و منتقدان جدی دولت و بلکه حکومت تبدیل شد. او با شبکه‌های مختلف خارجی مصاحبه و از سردمداران کشور انتقاد می‌کرد. بعد از بازداشت اسفندیار رحیمی مشایی و بقایی به امامزاده صالح رفت و مدتی بست نشین این آستان شد. در ۳۰ بهمن ۲۲ اسفند ۱۳۹۶ دو نامه به رهبر انقلاب نوشت و از اوضاع کشور به شدت گلایه کرد. احمدی‌نژاد در ۲۸ شهریور ۱۳۹۹ با رادیو فردا مصاحبه‌ای جنجالی کرد و به طور کلی از اقدامات گذشته‌اش اعلام برات کرد.

قانون‌گذاری در صلاحیت شورای انقلاب فرهنگی نیست

سعید حجاریان گفت: من پیشنهاد می‌کنم دولت استعفا دهد و برود. هرچه زودتر، بهتر! حضور این دولت و تفکر خسارت محض است.

روزنامه اعتماد با سعید حجاریان درباره چشم‌انداز پیش‌روی گروه‌های سیاسی دموکراسی و شبهه‌موکراسی گفت‌وگو کرده است.

بخش‌های مهم این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

بعضی مسائل گذرا هستند و چنانکه می‌بینیم اثرشان بعد از مدت کوتاهی محو می‌شود در مقابل بعضی رویدادها واجد اهمیتند و کوتاه‌مدت نیستند. مثل بحرانی شدن وضعیت صندوق‌های بازنشستگی، بحران آب، فرار سرمایه‌ها و همین‌طور مسائلی که به‌طور مستقیم به تبعیض مربوط می‌شود ازجمله موضوع مشخص زنان. مع‌الوصف دولت ایران با چنین بحران‌هایی دست‌وپنجه نرم می‌کند و نیک می‌داند هر یک

از اینها قادرند به شدت زمین‌سیاست را بلرزاند و به همین دلیل می‌بینیم سراسیمه، بی‌کیفیت و بدون هیچ پشتوانه‌ای اسند و لایحه و طرح منتشر می‌کنند. ما زمانی شبهه‌موکراسی (quasi-democracy) داشتیم و وضعیت را در قالب رژیم‌های هیبریدی تحلیل می‌کردیم، امروز با نادموکراسی (pseudo-democracy) مواجه هستیم. می‌خواهم بگویم تا زمانی دموکراسی خودمانی داشتیم، اما امروز سخن از هر نوع دموکراسی مایه‌تمسخر است و این حقیقتاً مایه‌تاسف و وهن است. مرزهای اصلاح‌طلبی می‌توانم بگویم ما از یک‌طرف با شبهه‌اصلاح‌طلبان مواجه هستیم و از یک‌طرف با معدود افراد آوانگارد. سایرین فعلاً در حالت اغما به سر می‌برند و تلاش دارند راهی برای برون‌رفت از وضع کنونی پیدا کنند. با این وجود من هنوز معتقدم میان اصلاح‌طلبی و اصولگرایی مرزهایی وجود دارد. اولاً، بخش قابل ملاحظه‌ای از اصلاح‌طلبان سرسپرده نیستند. ثانیاً، سرکوبگر نیستند و میل به دربارهٔ مقدمات و ملزومات آن کامل کرده‌باشند. و تئوری‌هایی برای اداره بهتر کشور دارند. اپوزیسیون خارج از کشور به خود مشغول است. یعنی به جای آنکه خود را آلترناتیو یک نظام سیاسی بداند، به جان هم افتاده و درگیر مسائل داخلی‌اش است. از این گذشته، آنها به علت دوری از وطن چندان با مصائب مردم آشنا نیستند. لذا بعضاً طرح‌هایی انتزاعی ارایه می‌کنند بی‌آنکه دربارهٔ مقدمات و ملزومات آن کامل کرده باشند.

اگر پروژه حجاب اختیاری به سرانجام رسیده، چون در پس و پشت آن تقاضایی چهل ساله بوده است. اما برای مثال پروژه‌هایی از جنس تحریم کالاها یا برندها یا مواردی از این دست لزوماً به سرانجام نمی‌رسند. مثلاً تحریم خرید خودروبی بی‌کیفیت و گران‌قیمت برای بعضی ناممکن است، زیرا معاش‌شان به این مکانیسم حمل‌ونقل گره خورده است. از این گذشته، مردم ایران یکدست نیستند. سیاست آلترناتیو در زمین فعلی سیاست ایران جمهوری خواهی محض است، یعنی جمهوری بدون پسوند و پیشوند. در غرب نمی‌گذارند فاشیست‌ها روی کار بیایند. مگر نمی‌گویم آنجا آزادی است؟ آنها می‌گویند بعضی گفتمان‌ها و احزاب از نردبان دموکراسی بالا می‌روند و زمانی که مستقر شدند نردبان را می‌شکنند. اساساً بعضی نظام‌های سیاسی و گفتمان‌ها خودویرانگر هستند و این «خود» ناظر به حامیان آنها نیست همه مردم و سرزمین را نابود می‌کنند. از این زاویه باید مقابل رادیکالیسم ایستاد. من معتقدم نمی‌شود به سلطنت مطلقه و موروثی یا امارت اسلامی رای داد. اینها مخالف اعلامیه جهانی حقوق بشر هستند که در حکم سند بالادستی و از جنس حقوق سخت است. دیکتاتوری مصلح برای ایران سم مهلک است، زیرا مافیا و دیکتاتوری همدست

پیشنهادهای
سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: رضا سلطان‌زاده
زیر نظر شورای نویسندگان
آدرس: یزد - خیابان آیتا... کاشانی - کوچه علوی(شماره ۲۶) - پلاک ۲۸
تلفن: ۰۳۵-۳۲۵۲۵۸۷-۳۵
نمابر: ۰۳۵-۳۲۵۲۵۸۳-۳۵
لیتوگرافی: زمان
چاپ: کسری

گستره توزیع سراسر کشور
http://www.AyenehYazd.ir

طنز

چرا یوسف کتک خورد؟

خدا رحمت کند بی‌بی‌مُل مَل، ملای مکتبخانه محله میدانشاه و امامزاده جعفر یزد بود. شاکرد مکتبی زیادی داشت و البته این همه بچه بدون ترکه اناری آدم و ساکت نمی‌شدند ولی بی‌بی‌مل مل استاد تشخیص کتک زدن بود و سه تا قانون وضع کرده بود.

اول بچه پولدار و زوردارها که شیطونی نمی‌کنند اگر هم بکنند هم عین نمک و خوشمزگی است.

دوم بروبچه‌های همسایه هم که خبر اسرار مگو دارند (مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز).

پس قانون سوم بی‌بی‌مُل مَل اگر بچه فقیر یا یتیمی بود مستحق کتک خوردن است تا بقیه ادب شوند و بفهمند بی‌بی‌مُل مَل! چه قدرتی دارد و بر اوضاع مسلط است!

بگذریم خبر دارید وزیر آموزش و پرورش «استعفانیده» شد. می‌فرمایید چرا منبر و میرکاطمی که مقصر و شریک تقصیر بودند تنبیه نشدند؟

عرض کنم به قانون اول بی‌بی‌مل مل مراجعه کنید!

می‌فرمایید با پاره کردن افسار گرانی کالا و خدمات چرا وزیر صمت و اقتصاد و بانک مرکزی برکنار نشدند؟

عرض کنم قانون دوم بی‌بی‌مُل مَل را ملاحظه فرمایید!

پس چرا یوسف کتک خورد و بس درحالی‌که در رزومه‌اش کوهنوردی و پیاده‌روی اربعین هم آمده بود؟

عرض کنم قانون سوم بی‌بی‌مُل مَل!

هیچی بگذرم که اوقات سلطان‌الآئینه تلخ است و چند تا مقصر کله‌گنده و عزیزک‌ده نورچشمی دخیل هستند بدان امید که قانون سوم بی‌بی‌مُل مَل شامل زبان‌دراز بخت برگشته یتیم نشود!!

زبان‌دراز

قالیباف در جریان جلسه‌ای در مجلس شورای اسلامی

وزیر کشور پذیرفت که معاون سیاسی‌اشی خطا کرده

قالیباف تصریح کرد: آقای وحیدی پذیرفت که معاون سیاسی وزارت کشور خطا کرده و خواستند تا اجازه دهیم فرصت یکی دو هفته‌ای داده شود که جایگزین ایشان (معاون سیاسی وزارت کشور) مشخص شود. من همین نکته را خدمت رئیس‌جمهور هم گفتم که دوستان (نمایندگان) اصرار بر استیضاح دارند و این حق نمایندگان است. اخطار نمایندگان هم درست است و بنده باید طبق این‌نامه داخلی مجلس طرح استیضاح را اعلام وصول کنم. رئیس مجلس گفت: آقای وحیدی پذیرفت که معاون سیاسی وزارت کشور خطا کرده و بر همین اساس وزیر کشور بند ۲، ۴، ۶ و ۷ ابلاغیه اخیر معاونت سیاسی را لغو کرد. به گزارش تسنیم، مصباحی‌قالیباف رئیس‌مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی در پاسخ به اخطار یکی از نمایندگان درباره چرایی عدم اعلام وصول طرح استیضاح وزیر کشور اظهار داشت: در جلسه غیرعلنی هفته گذشته با حضور آقای وحیدی این موضوع مطرح شد که کار ستاد انتخابات آغاز شده است. همچنین رهبر انقلاب ۴ رکن اساسی امنیت، سلامت، مشارکت و رقابت را به عنوان ارکان اصلی انتخابات مورد تاکید قرار دادند و بر همین اساس، همه باید مسیر درست انتخابات را طی کنیم. وی افزود: قبل از جلسه علنی، صحبتی با وزیر کشور داشتم و ایشان اشکال (بخشنامه اخیر معاون سیاسی وزیر کشور) را وارد دانستند. بنده به وزیر گفتم که دوستان ناراحت هستند و وزیر کشور هم در مجلس قول داد این موضوع را پیگیری می‌کند. رئیس مجلس ادامه داد: وزیر کشور خواستند تا اجازه دهیم فرصت یکی دو هفته‌ای داده شود که جایگزین ایشان (معاون سیاسی وزارت کشور) مشخص شود. من همین نکته را خدمت رئیس‌جمهور هم گفتم که دوستان (نمایندگان) اصرار بر استیضاح دارند و این حق نمایندگان است. اخطار نمایندگان هم درست است و بنده باید طبق این‌نامه داخلی مجلس طرح استیضاح را اعلام وصول کنم. قالیباف تصریح کرد: آقای وحیدی پذیرفت که معاون سیاسی وزارت کشور خطا کرده و بر همین اساس وزیر کشور بند ۲، ۴، ۶ و ۷ ابلاغیه اخیر معاونت سیاسی را لغو کرد. وی خاطر‌نشان کرد: وزیر کشور قول داد که این موضوع را پیگیری می‌کند و چون سندهای انتخابات استارت خورده، از نمایندگان برای این مسئله فرصت خواست. همچنین از دوستان خواهش می‌کنم این موضوع (طرح استیضاح) را مطرح نکنند چون هر روز یک بحث جدید به وجود آمده و موضوعات حاشیه‌ای ایجاد می‌شود.

^[1] قالیباف در جریان جلسه‌ای در مجلس شورای اسلامی

^[2] قالیباف تصریح کرد: آقای وحیدی پذیرفت که معاون سیاسی وزارت کشور خطا کرده و خواستند تا اجازه دهیم فرصت یکی دو هفته‌ای داده شود که جایگزین ایشان (معاون سیاسی وزارت کشور) مشخص شود

^[3] قالیباف تصریح کرد: آقای وحیدی پذیرفت که معاون سیاسی وزارت کشور خطا کرده و بر همین اساس وزیر کشور بند ۲، ۴، ۶ و ۷ ابلاغیه اخیر معاونت سیاسی را لغو کرد